تحقیقات مالی اسلامی

Journal of

# Islamic Finance Researches

**Investigating the Relationship between State Ownership and the Performance of Interest-Free Banking in Iran**

Vahid Bahari Ghoshe Bolag* | Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah | Mohammd Solgi

Stable URL: https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246894.1913

**بررسی ارتباط بین مالکیت دولتی و عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران**

نویسندگان: وحید بهاری قوشه بلاغ* | غلامحسن تقی نتاج ملکشاه | محمد سلگی

پیوند دائمی: https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246894.1913

Copyright 2025 The Author(s).
Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.
This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

**Print ISSN: 2551-8290** **Online ISSN: 2588-6584**

Islamic Finance Researches

Vol. 13 | Isuue 3 | Serial 33 | Spring 2025 |Pages 503 - 532
Research Paper | Recived: 2024/10/11 | Accepted: 2025/01/12
10.30497/ifr.2025.246894.1913

# Investigating the Relationship between State Ownership and the Performance of Interest-Free Banking in Iran

**Vahid Bahari Ghoshe Bolag:** M.A in Financial Management, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management and Economics, Imam Hussein University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
vahid.bahari93@gmail.com | 0009-0007-2245-6227
**Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah:** Associate Professor, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran.
tnatajm@ihu.ac.ir | 0009-0008-7846-1487
**Mohammad Solgi:** Assistant Professor, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran.
kpmsolgi@ihu.ac.ir | 0000-0002-8635-631X

## Abstract

### 1 .Introduction and Objective

Evaluating banks' performance is critical due to their fundamental role in ensuring financial stability and promoting economic development. In Islamic banking, operations are governed by Sharia principles, making performance assessments particularly important in Muslim-majority countries such as Iran. The Iranian banking system is characterized by a significant share of state ownership, which may affect efficiency, profitability, and risk-taking behavior. This study aims to examine the relationship between state ownership and the financial performance of Islamic banks in Iran, focusing on whether government-owned banks underperform relative to private banks and identifying the financial indicators most affected by ownership structure.

### 2 .Methods and Materials

This research is applied in nature and adopts a correlational, ex post facto design. The study analyzes 15 banks listed on the Tehran Stock Exchange (TSE) over the period 2015–2021 (1395–1400 SH). Financial performance is measured using four key indicators:

- Return on Assets (ROA) – an indicator of profitability,
- Return on Equity (ROE) – a measure of shareholders' return,
- Capital Adequacy Ratio (CAR) – reflecting financial stability and regulatory compliance, and

- Bank Overdrafts (BD) – representing liquidity dependence and short-term funding stress.

Panel data regression analysis with a fixed-effects approach is employed. The models are estimated using EViews econometric software, and diagnostic tests are conducted to ensure the validity of the models (including checks for autocorrelation and heteroskedasticity). The study also reports the explanatory power ($R^2$) for each performance measure to highlight model fit.

**3 .Research Findings**

The findings, significant at the 5% error level, demonstrate that state ownership significantly influences banks' financial performance. Specifically:

- State ownership has a negative relationship with ROA, ROE, and CAR, suggesting that state-controlled banks tend to exhibit lower profitability and weaker capital positions.
- Conversely, state ownership has a positive relationship with bank overdrafts, indicating a higher reliance on overdraft facilities among state-owned banks.

The explanatory power of the models varies across indicators: 53% for ROA, 11% for ROE, 12% for CAR, and 64% for bank overdrafts, with the strongest effect observed for overdraft dependency.

**4 .Discussion**

The results align with agency theory and prior research, which argue that state ownership can reduce efficiency due to political interference, weaker governance mechanisms, and soft budget constraints. The negative impact on profitability and capital adequacy suggests that government-owned banks may prioritize political and social objectives over shareholder value maximization. The high reliance on overdraft facilities reflects potential liquidity mismanagement and overdependence on government support.

## 5. Conclusion and Policy Implications

The study concludes that ownership structure is a critical determinant of Islamic banks' performance in Iran. Policy implications include:

- Enhancing corporate governance frameworks and transparency in state-owned banks,
- Reducing excessive state ownership to encourage competition and efficiency,
- Strengthening regulatory oversight to mitigate liquidity risk and improve capital adequacy.

These measures can improve the overall efficiency of Iran's Islamic banking system and contribute to economic stability.

**6. Keywords:** State Ownership; Rate of Return on Assets; Rate of Return on Equity; Capital Adequacy Ratio; Bank Overdraft.

**7. JEL Classification:** G2, G21, H11.

سال چهاردهم | شماره سوم | پیاپی ۳۳ | بهار ۱۴۰۴| صفحات ۵۰۳- ۵۳۲
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳
مقاله مدت ۱ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

# بررسی ارتباط بین مالکیت دولتی و عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران

**وحید بهاری قوشه بلاغ:** دانش‌آموخته کارشناس ارشد مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
vahid.bahari93@gmail.com
**غلامحسن تقی نتاج ملکشاه:** دانشیار، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. tnatajm@ihu.ac.ir
**محمد سلگی:** استادیار، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. kpmsolgi@ihu.ac.ir

## چکیده

### ۱. مقدمه و هدف

عملکرد بانک‌ها به دلیل نقش کلیدی آن‌ها در اقتصاد و توسعه کشور، همواره مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران بوده است. بانکداری اسلامی با پیروی از احکام شریعت و در چارچوب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود و در ایران نقش مهمی در تأمین مالی و توزیع منابع دارد. با توجه به اهمیت نظام بانکی، این پژوهش به بررسی ارتباط بین مالکیت دولتی و عملکرد بانکداری اسلامی در ایران پرداخته است.

### ۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه تحلیل و گردآوری داده‌ها، همبستگی و پس‌رویدادی است. برای سنجش عملکرد مالی بانک‌ها، شاخص‌های نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)، نسبت کفایت سرمایه و اضافه‌برداشت بانکی به‌کار رفته است. جامعه آماری شامل ۱۵ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بوده و نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شده است. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی و رویکرد اثرات ثابت در نرم‌افزار اقتصادسنجی EViews صورت گرفته است.

### ۳. یافته‌های تحقیق

نتایج در سطح خطای ۵ درصد نشان داد رابطه معناداری بین مالکیت دولتی و عملکرد مالی بانک‌ها وجود دارد. ضرایب تعیین مدل‌ها بیانگر قدرت توضیحی ۵۳ درصد برای ROA، ۱۱ درصد برای ROE، ۱۲ درصد برای نسبت کفایت سرمایه و ۶۴ درصد برای اضافه‌برداشت بانکی است. همچنین بیشترین اثر مالکیت دولتی بر اضافه‌برداشت بانکی مشاهده شد. یافته‌ها نشان داد مالکیت دولتی با سه شاخص ROA، ROE و نسبت کفایت سرمایه رابطه منفی و با اضافه‌برداشت بانکی رابطه مثبت دارد.

### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها بیانگر آن است که مالکیت دولتی می‌تواند به کاهش بازدهی و نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها منجر شود و در مقابل، وابستگی به منابع دولتی، اضافه‌برداشت بانکی را افزایش می‌دهد. این نتایج بر اهمیت اصلاح ساختار مالکیت و ارتقای کارایی بانک‌های دولتی تأکید دارد. سیاست‌گذاران می‌توانند با کاهش وابستگی دولتی، افزایش شفافیت و تقویت سازوکارهای نظارتی، به بهبود عملکرد مالی نظام بانکی کمک کنند.

**واژگان کلیدی:** مالکیت دولتی؛ نرخ بازده دارایی‌ها؛ نرخ بازده حقوق صاحبان سهام؛ نسبت کفایت سرمایه؛ اضافه برداشت بانکی.

**مقدمه و بیان مسئله**

سیاست‌های اجرایی در زمینه بانکداری در تمامی کشورها کمابیش با هدف حمایت از گسترش خدمات بانکی طراحی و اجرا می‌شود. در ایران نیز پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، سیاست‌هایی در قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه برای گسترش بانکداری، خصوصی‌سازی بانک‌ها و فراهم‌سازی زمینه فعالیت بانک‌های خارجی تدوین و به‌کار گرفته شده است.

با این حال، همچنان نیازهای جامعه به‌طور کامل برآورده نشده است. این مسئله از یک‌سو موجب تداوم چالش‌های مربوط به فعالیت‌های وام‌دهی در بازارهای متشکل و غیرمتشکل پولی و از سوی دیگر سبب نارضایتی سهام‌داران و متقاضیان وام و تسهیلات بانکی شده است.

مقایسه عملکرد بانک‌های متعارف و اسلامی در بهره‌گیری از منابع، می‌تواند راهکاری برای بهبود و کارآمدسازی نرخ سود در کشور ارائه دهد.

بانکداری اسلامی، نظامی نوین و رو به رشد است که به‌جای بهره، بر تسهیم سود و زیان بر پایه اصول اسلامی استوار است.

در مقابل، نظام بانکداری رایج (سنتی) به‌عنوان واسطه مالی میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان عمل می‌کند؛ به این معنا که بخشی از سپرده‌های مشتریان را در اختیار وام‌گیرندگان قرار می‌دهد. درآمد اصلی این بانک‌ها از تفاوت بین سود دریافتی از وام‌گیرندگان و سود پرداختی به سپرده‌گذاران به‌دست می‌آید. از آنجا که بانک‌ها هزینه‌هایی مانند هزینه‌های بالاسری و حقوق کارکنان نیز دارند، سود خالص بانک برابر است با تفاوت میان کل درآمدها و هزینه‌ها.

نخستین تفاوت اساسی «بانکداری سنتی» با «بانکداری اسلامی» در نحوه استفاده از پول است. در بانکداری سنتی، پول به‌عنوان یک کالا در نظر گرفته می‌شود و برای کسب سود، خریدوفروش می‌گردد؛ در حالی که در بانکداری اسلامی، پول صرفاً ابزاری برای تسهیل مبادلات و تحقق اهداف اقتصادی است.

تفاوت دیگر این است که نظام بانکداری سنتی (ربوی) برای تمام نیازها ــ اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری ــ از ابزار قرض با بهره استفاده می‌کند و معمولاً نرخ بهره در

بازار پول و به‌صورت برون‌زا و جدا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد. در مقابل، بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی جامعه از ابزارهای مالی متنوعی بهره می‌برد. برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای کوتاه‌مدت، ابزارهایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه و اجاره‌به‌شرط‌تملیک و برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت، قراردادهایی مانند مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را به‌کار می‌گیرد. در این نظام، به‌جای نرخ بهره از نرخ سود استفاده می‌شود که برگرفته از فعالیت‌های اقتصاد واقعی است.

در بانکداری اسلامی برخلاف بانکداری سنتی، بانک به‌عنوان وکیل عمل کرده و سود و زیان میان سرمایه‌گذار و متقاضی تسهیلات تقسیم می‌شود.

از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، در پی اجرای سیاست‌هایی با هدف کاهش مداخله دولت، تقویت بخش خصوصی و ایجاد رقابت در اقتصاد، راهبرد خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از ارکان سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت (کمیجانی، ۱۳۸۲). طرفداران خصوصی‌سازی بر این باورند که این اقدام بخشی از تغییر منطقی راهبرد توسعه است و با تکیه بر سازوکار بازار، موجب افزایش بهره‌وری و کاهش اندازه بخش دولتی می‌شود.

بخش بانکی نیز از این تحولات بی‌نصیب نماند و طی دهه‌های اخیر موج گسترده‌ای از خصوصی‌سازی در این حوزه رخ داده است. در ایران نیز تحولات مشابهی اتفاق افتاد؛ به‌طوری که در سال ۱۳۷۹، با هدف بهینه‌سازی نظام مدیریت منابع و مصارف، کاهش مطالبات سررسید گذشته و معوق و در مجموع افزایش کارایی بانک‌ها، مجوز تأسیس بانک‌های خصوصی صادر شد و تعدادی بانک خصوصی به فعالیت پولی پرداختند. همچنین در پی اجرای ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و الزام دولت به واگذاری شرکت‌ها و مؤسسات مالی، بانک‌های صادرات، ملت، تجارت و رفاه از سال ۱۳۸۷ به بعد خصوصی شدند. با وجود این، همچنان بخشی از سهام برخی بانک‌های خصوصی‌شده در اختیار دولت باقی مانده است.

ساختار مالکیت، به‌ویژه تمایز میان مالکیت خصوصی و دولتی، از عوامل کلیدی در تعیین عملکرد بنگاه‌هاست.

براساس دیدگاه شلایفر[1] (۱۹۹۸م)، مالکیت خصوصی عموماً بر مالکیت دولتی ارجح است؛ به‌ویژه هنگامی که انگیزه‌های نوآوری و کاهش هزینه‌ها در بنگاه‌های اقتصادی قوی باشد و عواملی مانند رقابت بین عرضه‌کنندگان، سازوکارهای شهرت و خوشنامی، امکان‌پذیری ارائه خدمات توسط بنگاه‌های خصوصی، فساد و قیمومیت سیاسی وارد عرصه بازی شوند.

البته در برخی شرایط، مالکیت خصوصی الزاماً بهینه نیست. بر اساس مطالعهٔ شلایفر و ویشنی[2] (۱۹۹۷م)، عواملی مانند قدرت انحصاری، آثار خارجی و مباحث توزیعی نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کنند که ممکن است موجب شود مالکیت خصوصی نتواند بالاترین منافع اجتماعی را محقق کند.

به‌طور کلی، دو نظریه اصلی درباره تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بنگاه‌ها مطرح شده است:

۱) **نظریه حاکمیت شرکتی[3]:** این نظریه توسط شلایفر و ویشنی (۱۹۹۷م) به‌تفصیل بیان شده است. بر اساس این دیدگاه، بنگاه‌های دارای مالکیت دولتی به‌صورت فنی تحت کنترل دولت بوده و توسط بوروکرات‌های سیاسی اداره می‌شوند. این بوروکرات‌ها از «حقوق کنترل کاملاً متمرکز» برخوردارند اما «حقوق جریان نقدینگی» چندانی ندارند. اهداف و انگیزه‌های آنان عمدتاً در جهت منافع سیاسی بوده و اغلب با بهبود رفاه اجتماعی و حداکثرسازی ارزش بنگاه در تعارض است.

دلالت اصلی این نظریه آن است که بانک‌های دولتی به دلیل انگیزه‌های خاص بوروکرات‌ها و مدیران بانکی، در مقایسه با بانک‌های خصوصی عملکرد ضعیف‌تری دارند.

---

1. Schleifer
2. Shleifer & Vishny
3. Corporate Governance Theory

۲) نظریه بازارهای رقابت‌پذیر و هزینه نمایندگی یا کارگزاری[۴]: این نظریه توسط کانی[۵] (۲۰۰۰م) ارائه شده و مدلی عمومی از چرخه زندگی بحران‌های بانکی ناشی از مقررات را ترسیم می‌کند. این دیدگاه بینش بهتری در خصوص تفاوت الگوهای عملکردی بانک‌های دولتی و خصوصی در طول زمان ارائه می‌دهد.

کانی در مطالعه خود بیان می‌کند که سیاست‌مداران به‌دنبال انحراف رانت‌ها هستند؛ رانت‌هایی که در گذشته از طریق هدایت وام‌های ارزان‌قیمت به بخش‌ها و احزاب قدرتمند سیاسی به‌دست آورده‌اند. در بانک‌های دولتی، حجم اعطای این نوع وام‌های یارانه‌ای بسیار بزرگ‌تر از بانک‌های خصوصی است. این امر موجب می‌شود:

- نخست، زیان‌های انباشته و ذخیره‌نشده در بانک‌های دولتی ایجاد شود.
- دوم، چارچوب‌های گزارش‌دهی و قراردادی ضعیف در نهادهای دولتی، مانع پاسخ‌گویی شفاف و کنترل اندازه یارانه‌ها گردد.

هنگامی‌که مقیاس این زیان‌ها افزایش یابد و تردیدهایی درباره تمایل یا توانایی دولت در تضمین بدهی‌های رو به رشد و حمایت از سیستم بانکی ورشکسته ایجاد شود، بحران بانکی بروز خواهد کرد. در چنین شرایطی، سرعت وخامت عملکرد بانک‌های دولتی بیشتر است زیرا آن‌ها پیش از بحران زیان‌های گسترده‌تری داشته‌اند.

با توجه به نتایج متناقض تحقیقات گذشته درباره رابطه میان مالکیت دولتی و عملکرد بانک‌ها، پرسش اساسی پژوهش حاضر این است: «آیا مالکیت دولتی بر عملکرد بانک‌ها از نظر بازدهی و سایر شاخص‌های عملکردی اثرگذار است یا خیر؟»

4. Contestable Markets and Agency Costs
5. Kani

## ۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۱-۱. مالکیت دولتی

ساختار مدیریت کشور به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر سیاست‌های کلان دولت قرار دارد و به همین دلیل در هر برش تاریخی، مدیریت کلان از نظام سیاسی حاکم تبعیت می‌کند و باید در پرتو همین نظام تحلیل و بررسی شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه نوع مالکیت را مشخص کرده است:

۱. بخش دولتی؛

۲. بخش تعاونی؛

۳. بخش خصوصی.

بااین‌حال، سازمان اداری دولت و مؤسسات تحت نظارت آن همچنان از الگوی تشکیلاتی نظام‌های پیشین پیروی می‌کنند که موجب نوعی تداخل و هم‌پوشانی نامتجانس میان وظایف دولت، مالکیت دولتی و مدیریت دولتی شده است.

این ساختار سازمانی و اداری دولت، عمدتاً بر پایه اصطلاحات و مفاهیمی ترسیم شده است که در قانون محاسبات عمومی به‌کار رفته است. اگرچه در اصطلاح «مؤسسات عمومی غیردولتی» واژه «غیردولتی» به‌صورت مسامحه‌آمیز به‌کار برده می‌شود، اما بر اساس ماده ۱۲ قانون محاسبات عمومی، این‌گونه مؤسسات نیز مشمول مقررات قانونی مربوط به اموال عمومی هستند.

از این منظر می‌توان استنباط کرد که مؤسسات عمومی غیردولتی، نهادهایی هستند که صرفاً حساب‌های مالی آن‌ها در خزانه متمرکز نیست و طبق قوانین و مقررات خاص، به‌طور مستقل از قوه مجریه اداره می‌شوند. با این وجود، استقلال آن‌ها از قوه مجریه به معنای رفع مسئولیت امانی ناظر بر مدیریت مؤسسات عمومی نیست.

### ۱-۲. بانکداری اسلامی

ایده بانکداری اسلامی نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شد. نخستین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای مالزی و مصر تأسیس گردید و پس از آن در سال ۱۹۷۴، بانک اسلامی دبی آغاز به کار کرد.

براساس گفته قحف[6] (۱۹۹۹م)، تاکنون تعداد بانک‌های اسلامی در سراسر جهان از ۱۰۰ مؤسسه فراتر رفته است؛ تا آنجا که ادواردز[7] (۲۰۰۰م) ظهور بانکداری اسلامی را نوعی ابداع مذهبی توصیف کرده است.

بانک‌های اسلامی با توجه به محیط و شرایط حقوقی–فرهنگی کشور محل فعالیت، به سه دسته اصلی قابل تفکیک هستند:

۱) بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که قوانین آن مطابق با شریعت اسلامی است و بانکداری رایج در آنجا بانکداری اسلامی محسوب می‌شود؛ مانند: ایران، پاکستان و سودان.

۲) بانک‌هایی که در کشورهایی با اکثریت مسلمان فعالیت می‌کنند اما بانکداری رایج در آن کشورها سنتی است؛ مانند بسیاری از کشورهای عربی مسلمان.

۳) بانک‌هایی که در کشورهایی با اکثریت غیرمسلمان فعالیت می‌کنند و بانکداری متعارف در آنجا حاکم است؛ مانند کشورهای غربی.

بانک‌های اسلامی در کشورهای غربی با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. افزون بر مشکلاتی که این بانک‌ها در کشورهای اسلامی با آن مواجه‌اند، در محیط‌های غربی با مسائل زیربنایی دیگری مانند نبود حمایت قانونی و دولتی و کمبود نیروی انسانی متخصص مواجه‌اند. به‌طورکلی، نگرش و طرز تفکر رایج مشکل اصلی بانکداری اسلامی در غرب است. به گفته دیکسون[8] (۱۹۹۲م): «غرب در ایجاد نگرش مثبت نسبت به نیازهای بانک‌های اسلامی ناکام مانده است.»

علاوه‌براین، انتقادات دیگری نیز به عملکرد بانک‌های اسلامی در سطح جهانی وارد شده است. از جمله اینکه این بانک‌ها هنوز نتوانسته‌اند سازوکارهای کارآمد و بدون بهره برای سپرده‌های کوتاه‌مدت طراحی کنند. همچنین در زمینه تأمین مالی مشتریان و کسری‌های مالی دولت‌ها انتقاداتی وجود دارد؛ چرا که نظام مبتنی بر تقسیم سود و

6. Kahf
7. Edwardes
8. Dixon

زیان، با ریسک بالایی همراه است و اغلب بانک‌ها تمایل به دستیابی به بازدهی ثابت و مطمئن دارند. در نتیجه، در بسیاری از موارد، حذف واقعی بهره محقق نشده و صرفاً نام‌گذاری و اصطلاحات قراردادها و مبادلات تغییر یافته است بدون اینکه ماهیت ربوی به‌طور کامل کنار گذاشته شود.

رسفیجانی و دهقان (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای، تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌های خصوصی را با در نظر گرفتن نقش میانجی پایداری شرکت بررسی کردند. جامعه آماری این پژوهش شامل کارکنان بانک‌های خصوصی ایران بوده است که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای متشکل از ۳۸۴ نفر انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS3 تحلیل شد. نتایج نشان داد:

- ✓ حاکمیت شرکتی به‌طور مستقیم بر عملکرد مالی و پایداری شرکت تأثیرگذار است.
- ✓ پایداری شرکت نیز تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی دارد.
- ✓ حاکمیت شرکتی با در نظر گرفتن نقش میانجی پایداری شرکت، همچنان اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی دارد.
- ✓ نقش میانجی کارایی زیست‌محیطی و سیستم مدیریت سلامت و ایمنی در این رابطه تأیید شد، اما توسعه جامعه و مدیریت محیط‌زیست و تعهد به ظرفیت توسعه اجتماعی نقش میانجی ایفا نکردند.

همچنین اسعدی و ابری (۱۳۹۹) در پژوهشی دیگر، اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها را بررسی کردند. داده‌های این تحقیق شامل اطلاعات مربوط به ۱۸ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ بود. تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد:

- ✓ ابعاد ساختار مالکیت تأثیر معناداری بر حاکمیت شرکتی بانک‌ها ندارند.
- ✓ با این حال، ساختار مالکیت می‌تواند اثر معکوس و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها داشته باشد.

- ✓ ابعاد نظام حاکمیت شرکتی اثر مستقیم و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارند که نشان می‌دهد بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند منجر به ارتقای معنادار عملکرد مالی شود.

رجبی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها با در نظر گرفتن مدیریت ریسک به‌عنوان متغیر میانجی در میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که حاکمیت شرکتی با لحاظ نقش مدیریت ریسک، اثر معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد.

تقی‌نتاج، بحری ثالث و قادری (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلی کیفیت افشا پرداختند. برای دستیابی به این هدف، از مدل‌های رگرسیونی با داده‌های ترکیبی مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ استفاده شد و کلیهٔ بانک‌های خصوصی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که کیفیت حاکمیت شرکتی اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد؛ اما کیفیت افشا تأثیر معناداری بر تعامل بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها نشان نداد.

نخعی و زهرایی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد واسطه‌های مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پرداختند. با استفاده از روش حذف سامانمند، نمونه نهایی شامل ۲۹ بانک و شرکت سرمایه‌گذاری انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساختار مالکیت (نهادی، حقیقی و تمرکز مالکیت) تأثیر معناداری بر بازده دارایی‌ها (ROA) دارد؛ اما همین متغیرها تأثیر معناداری بر بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) نشان ندادند.

مازندرانی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی و ریسک در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نمونه تحقیق شامل ۹ بانک بورسی بود و فرضیه‌ها با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی‌بر

داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که میان ارتباطات سیاسی و بازده دارایی‌ها (ROA) رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که بین ارتباطات سیاسی و ریسک عدم دریافت بدهی، رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

سعدی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که فرضیه اول رد شد، اما فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم تأیید شدند. یافته‌ها بیانگر آن است که میان درصد مدیران غیرموظف و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) رابطه معناداری وجود ندارد؛ در حالی‌که بین تفکیک وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره، حضور سهامداران نهادی و اندازه بانک با عملکرد بانک رابطه معناداری مشاهده شد.

ترکی[9] (۲۰۲۱م) در در مطالعه‌ای، تعداد ۲۵ بانک اسلامی طی بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ میلادی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون خطی نشان داد که مالکیت دولتی اثر مثبت و معناداری بر عملکرد بانک‌ها دارد.

تسییم[10] (۲۰۱۹م) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر عدم‌تقارن اطلاعاتی بانک‌ها پرداخت. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از فرآیندها و ساختارهاست که به هدایت و راهبری مؤسسات مالی کمک می‌کند تا از امنیت و سلامت عملکرد خود اطمینان حاصل کنند. در این تعریف، نظام راهبری شرکتی به معنای توزیع اختیارات و به‌کارگیری سازوکارهای مناسب توسط هیئت‌مدیره، هیئت عامل و سهامداران است تا بتوانند در برابر سایر ذی‌نفعان بانک از جمله سپرده‌گذاران، مشتریان، کارکنان و در سطحی کلان‌تر آحاد جامعه پاسخ‌گو باشند. این نظام ساختاری را برای توسعه و اجرای اهداف سازمانی فراهم کرده و امکان نظارت و کنترل بر عملکرد بانک‌ها را مهیا می‌سازد.

9. Turki
10. Tessem

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی دارد و ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر آن بر جای می‌گذارد.

چن و دیگران[11] (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به ارائه الگویی از تأثیر ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها در شرایط بروز بحران‌های مالی پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد و در مقابل، حاکمیت شرکتی اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها برجای می‌گذارد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که تأثیر منفی ارتباطات سیاسی بر عملکرد بانک‌ها در طول بحران‌های مالی قوی‌تر و تأثیر مثبت حاکمیت شرکتی در این شرایط ضعیف‌تر است.

دگناو و ونگ[12] (۲۰۱۷م) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر مالکیت دولتی و خصوصی بر سودآوری بانک‌های تجاری در کشور اتیوپی پرداختند. این مطالعه با استفاده از داده‌های تابلویی مربوط به ۸ بانک تجاری اتیوپی در دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ میلادی انجام شد. در این تحقیق، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) به‌عنوان شاخص سودآوری به‌کار گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که بانک‌های تجاری دولتی در این دوره عملکرد بهتری نسبت به بانک‌های تجاری خصوصی داشته‌اند. همچنین از میان متغیرهای کنترلی مورداستفاده، اندازه بانک، نقدینگی، وام و پیش‌پرداخت‌ها و سرمایه‌گذاری بانک تأثیر مثبت و معناداری بر سودآوری بانک‌های تجاری داشتند.

لأمارنه[13] (۲۰۱۴م) در مطالعه‌ای، به بررسی اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکی (سودآوری و کارایی عملیاتی) پرداخت. این تحقیق با تکیه بر داده‌های عمومی ۱۳ بانک پذیرفته‌شده در بورس کشور اردن طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ میلادی انجام شد. نتایج مطالعه نشان داد که تمرکز مالکیت اثر مثبت و معناداری بر سودآوری بانک‌ها دارد، در حالی که مالکیت خارجی اثر مثبت و معناداری بر کارایی عملیاتی بانک‌ها برجای می‌گذارد. یافته مهم دیگر این پژوهش آن است که افزایش

11. Chen et al
12. Dagnaw & Wang
13. Al-Amarneh

اندازه هیئت‌مدیره موجب بهبود سودآوری بانک‌ها می‌شود که این امر ضرورت وجود استانداردهای مناسب حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان را برجسته می‌کند.

## ۲. مدل رگرسیونی و تعریف عملیاتی متغیرها

رابطه (۱): $FP_{i,t}=\alpha_0+\beta_1 SO_{i,t}+ \beta_2 CAR_{i,t}+ \beta_3 LD_{i,t}+ \beta_4 LA_{i,t}+ \beta_5 LC_{i,t}+ \beta_6 IRI_{i,t}+\epsilon_{i,t}$

### ۲-۱. متغیر وابسته

**عملکرد بانک،** در این تحقیق برای اندازه‌گیری عملکرد بانک از شاخص‌های زیر استفاده شده است.

- ROA: نرخ بازده دارایی‌ها که برابر است با سود خالص تقسیم‌بر مجموع دارایی‌ها؛
- ROE: نرخ بازده حقوق صاحبان سهام که برابر است با سود خالص تقسیم‌بر مجموع حقوق صاحبان سهام؛
- CAR: نسبت کفایت سرمایه و برابر است با سرمایه پایه تقسیم‌بر دارایی‌های ریسک‌پذیر؛
- OverDraf: بیانگر اضافه برداشت بانکی که تفاوت طلب از بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی نسبت به بدهی به بانک‌ها و مؤسسات مالی تقسیم‌بر مجموع دارایی‌ها است (Turki, 2021).

### ۲-۲. متغیر مستقل: مالکیت دولتی

متغیر مستقل مالکیت دولتی SO است که برابر با سهام در اختیار دولت تقسیم‌بر تعداد سهام منتشره شرکت است.

### ۲-۳. متغیرهای کنترل

- EQU: نسبت حقوق صاحبان سهام به مجموع دارایی‌ها؛
- LD: نسبت مجموع وام به مجموع سپرده‌ها؛
- LA: نسبت مجموع وام‌ها به مجموع دارایی‌ها؛
- LC: نسبت دارایی‌های نقدی منهای بدهی‌های نقدی به مجموع دارایی‌ها؛

- IRI: شاخص ریسک ورشکستگی بانک با استفاده از مدل آلتمن (Turki, 2021).

### ۳. آمار توصیفی

بررسی شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد:

- ✓ **نرخ بازده دارایی‌ها (ROA):** میانگین این متغیر در بین بانک‌های نمونه ۰.۰۰۰۰۵، با بیشینه ۱۷ درصد و کمینه ۱۳- درصد است که به ترتیب به بانک دی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶ تعلق دارد. انحراف معیار ۳ درصدی ROA نسبت به میانگین بسیار بالاست که بیانگر عدم پایداری بانک‌ها در کسب سودآوری و نوسان شدید آن طی دوره زمانی تحقیق است.
- ✓ **نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE):** میانگین ROE در نمونه مورد بررسی ۱۸ درصد منفی بوده است. بیشینه آن ۳.۶۰۴ و کمینه آن ۱۶.۱۹۸- است که به ترتیب به بانک تجارت در سال ۱۳۹۶ و پست‌بانک در سال ۱۳۹۹ مربوط می‌شود.
- ✓ **نسبت کفایت سرمایه:** این شاخص نشان‌دهنده وضعیت نامناسب نظام بانکی ایران است؛ به‌گونه‌ای که میانگین آن حدود ۱ درصد منفی است. بیشینه نسبت کفایت سرمایه ۱۳ درصد و مربوط به بانک خاورمیانه در سال ۱۳۹۵ و کمینه آن ۹۳ درصد منفی مربوط به بانک تجارت در سال ۱۳۹۷ است. نتایج نشان می‌دهد اکثر بانک‌های دولتی دارای نسبت کفایت سرمایه منفی هستند.
- ✓ **اضافه‌برداشت بانکی:** این متغیر دارای میانگین حدود ۲ درصد منفی با بیشینهٔ ۱۳ درصد و کمینه ۳۱ درصد منفی است که به ترتیب به بانک خاورمیانه در سال ۱۳۹۷ و بانک دی در سال ۱۳۹۸ تعلق دارد.
- ✓ **مالکیت دولتی:** میانگین میزان مالکیت دولتی در بین بانک‌های نمونه ۲۸ درصد است و بیشینه آن ۹۱ درصد مربوط به بانک سینا است.

**جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها**

| شرح | میانگین | میانه | بیشینه | کمینه | انحراف معیار | چولگی |
|---|---|---|---|---|---|---|
| نرخ بازده دارایی‌ها | ./۰۰۵ | ./۰۰۳ | ./۱۷۱ | -./۱۳۲ | ./۰۳۷ | ./۴۰۱ |

| شرح | میانگین | میانه | بیشینه | کمینه | انحراف معیار | چولگی |
|---|---|---|---|---|---|---|
| نرخ بازده حقوق صاحبان سهام | -./۱۸۴ | ./۱۰۸ | ۳/۶۰۴ | -۱۶/۱۹۸ | ۲/۲۰۳ | -۵/۳۲۸ |
| نسبت کفایت سرمایه | -./۰۰۶ | ./۰۲۹ | ./۱۳۵ | -./۹۳۷ | ۳۹/۶۳۴ | ۹/۳۲۷ |
| اضافه برداشت بانکی | -./۰۱۹ | -./۰۰۵ | ./۱۳۱ | -./۳۱۴ | ./۰۷۲ | -۱/۳۷۶ |
| مالکیت دولتی | ./۲۸۵ | ./۰۶۰ | ./۹۱ | ۰ | ./۳۲۷ | ./۵۷۷ |
| نسبت حقوق صاحبان سهام | ./۰۲۳ | ./۰۴۱ | ./۱۲۵ | -./۴۸۱ | ./۰۹۳ | -۲/۹۷۲ |
| نسبت وام به سپرده | ۲/۳۵۴ | ۲/۰۵۹ | ۵/۸۲۴ | ./۵۱۱ | ۱/۲۸۸ | ./۸۱۷ |
| نسبت وام به دارایی‌ها | ./۵۳۵ | ./۵۶۷ | ./۷۵۹ | ./۱۰۲ | ./۱۳۷ | -./۷۴۰ |
| نسبت دارایی نقدی | ./۴۷۹ | ./۵۵۴ | ./۸۰۱ | -./۶۱۶ | ./۲۴۵ | -۲/۱۶۵ |
| شاخص ورشکستگی | ./۹۳۳ | ۱ | ۱ | ۰ | ./۲۵۰ | -۳/۴۷۴ |

منبع: (محاسبات محققین)

### ۴. انتخاب آزمون‌های تشخیصی مدل

بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول (۲)، مشخص شد که در آزمون فرضیه‌های مدل اول و چهارم باید از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت/تصادفی استفاده شود، در حالی‌که برای مدل‌های دوم و سوم، به‌کارگیری روش داده‌های تلفیقی[۱۴] مناسب‌تر است.

**جدول (۲): نتایج آزمون تعیین داده‌های ترکیبی**

| شرح مدل | شرح آزمون | آماره | درجه آزادی | p-value | نتیجه آزمون |
|---|---|---|---|---|---|
| مدل اول | اف لیمر | ۱/۹۸۳ | ۱۴ | ./۰۳۲ | انتخاب داده‌های تابلویی |
| | هاسمن | ۲۰/۹۹۳ | ۶ | ./۰۰۱ | انتخاب داده‌های اثرات ثابت |
| مدل دوم | اف لیمر | ./۵۸۹ | ۱۴ | ./۸۶۴ | انتخاب داده‌های تلفیقی |
| | هاسمن | – | – | – | – |
| مدل اول | اف لیمر | ./۷۸۹ | ۱۴ | ./۶۷۶ | انتخاب داده‌های تلفیقی |
| | هاسمن | – | – | – | – |
| مدل دوم | اف لیمر | ۴/۵۹۳ | ۱۴ | ./۰۰۰ | انتخاب داده‌های تابلویی |
| | هاسمن | ۹/۳۲۱ | ۶ | ./۰۴۷ | انتخاب داده های اثرات ثابت |

منبع: (محاسبات محققین)

14. Pooling

### ۴. آزمون ناهمسانی واریانس

براساس نتایج آزمون بروش - پاگان که در جدول (۳) گزارش شده است، در مدل اول پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس خطاها وجود دارد؛ زیرا احتمال (p-value) به‌دست‌آمده کمتر از ۰.۰۵ است. به‌منظور رفع این مشکل و بهبود برآورد ضرایب، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (EGLS) برای برآورد مدل استفاده شد.

**جدول (۳): آزمون ناهمسانی واریانس**

| شرح مدل | آماره خی دو | p-value | نتیجه آزمون |
|---|---|---|---|
| مدل اول | ۱۶/۰۵۴ | /۰۰۰ | وجود ناهمسانی واریانس |
| مدل دوم | /۶۶۰ | /۶۸۱ | وجود همسانی واریانس |
| مدل سوم | /۵۱۲ | /۷۹۷ | وجود همسانی واریانس |
| مدل چهارم | ۱/۳۵۱ | /۲۴۴ | وجود همسانی واریانس |

منبع: (محاسبات محققین)

### ۵. آزمون مدل اول پژوهش

پس از برآورد ضرایب، آماره دوربین—واتسون مقدار ۱.۹۳۶ را نشان داد که بیانگر عدم وجود همبستگی پیاپی در اجزای اخلال مدل است. بنابراین مشکل خودهمبستگی سریالی در مدل مشاهده نمی‌شود.

پیش از آزمون فرضیه‌ها، لازم است از صحت و برازش کلی مدل اطمینان حاصل شود. بدین منظور، از آزمون F برای بررسی معناداری کل مدل استفاده گردید. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰۰ است؛ بنابراین مدل رگرسیونی برازش‌شده به‌طور کلی معنادار است.

براساس ضریب تعیین مدل ($R^2$)، حدود ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین می‌شود که نشان‌دهنده قدرت توضیح‌دهندگی مناسب مدل است.

از سوی دیگر، هم‌خطی زمانی رخ می‌دهد که یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل باشد؛ در چنین شرایطی، حتی اگر ضریب تعیین بالا باشد، اعتبار مدل کاهش می‌یابد. برای بررسی این موضوع، عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه شد.

با توجه به اینکه مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از ۵ بود، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

بنابراین، مدل برازش‌شده از نظر آماری معتبر بوده و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش قابل اتکاست.

**جدول (۴): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول پژوهش (نرخ بازده دارایی‌ها)**

| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آزمون تی | سطح معناداری | عامل تورم واریانس |
|---|---|---|---|---|---|
| عرض از مبدأ | ./۰۰۹ | ./۰۱۳ | ./۷۳۷ | ./۴۶۳ | – |
| مالکیت دولتی | -./۰۶۴ | ./۰۲۱ | -۲/۹۸۹ | ./۰۰۳ | ۱/۵۷۳ |
| نسبت حقوق صاحبان سهام | ./۱۴۵ | ./۰۶۱ | ۲/۳۹۱ | ./۰۱۹ | ۱/۱۷۴ |
| نسبت وام به سپرده | -./۰۰۴ | ./۰۰۲ | -۱/۶۸۹ | ./۰۹۵ | ۳/۳۲۹ |
| نسبت وام به دارایی‌ها | ./۰۴۸ | ./۰۲۰ | ۲/۴۲۷ | ./۰۱۷ | ۱/۷۷۵ |
| نسبت دارایی نقدی | -./۰۰۱ | ./۰۱۸ | -./۰۵۱ | ./۹۵۹ | ۲/۵۱۶ |
| شاخص ورشکستگی | -./۰۰۵ | ./۰۰۶ | -./۸۸۹ | ./۳۷۷ | ۱/۱۷۴ |
| آماره اف فیشر | ۶/۰۹۷ | | آزمون دوربین واتسون | | ۱/۹۳۶ |
| سطح معناداری اف فیشر | ./۰۰۰ | | ضریب تعیین تعدیل‌شده | | ./۵۳۳ |

منبع: (محاسبات محققین)

فرضیه اول تحقیق: «بین مالکیت دولتی و نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.»

- **شرح آزمون فرضیه:** در این فرضیه، مالکیت دولتی به‌عنوان متغیر مستقل و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.
- **نتایج:** براساس نتایج ارائه‌شده در جدول مربوط، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود ۰.۰۶- (شش درصد منفی) به دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از ۲ بوده و سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۳) است.

- **تفسیر:** نتایج فوق نشان می‌دهد که بین مالکیت دولتی و نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. علامت منفی ضریب نیز بیانگر رابطه‌ای معکوس است؛ به این معنا که افزایش مالکیت دولتی با کاهش نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها همراه است.
- **نتیجه‌گیری:** با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

### ۶. آزمون مدل دوم پژوهش

پس از برآورد ضرایب، آماره دوربین—واتسون مقدار ۲.۲۰۵ را نشان داد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. بنابراین مشکل همبستگی پیاپی در این مدل مشاهده نمی‌شود. برای بررسی برازش کلی مدل، از آزمون F استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰ است؛ بنابراین مدل رگرسیونی برازش‌شده به‌طور کلی معنادار است. براساس مقدار ضریب تعیین ($R^2$)، حدود ۱۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود که هرچند نسبت به مدل اول کمتر است، اما همچنان بیانگر قدرت توضیح‌دهندگی قابل قبول مدل است. همچنین به‌منظور بررسی وجود هم‌خطی چندگانه، عامل تورم واریانس (VIF) برای متغیرهای مستقل و کنترلی محاسبه شد. از آنجا که مقدار VIF برای همه متغیرها کمتر از ۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. در نتیجه، مدل دوم برازش‌شده از اعتبار آماری کافی برخوردار است و می‌تواند مبنای آزمون فرضیه مربوطه قرار گیرد.

**جدول (۵): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل دوم پژوهش (نرخ بازده حقوق صاحبان سهام)**

| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آزمون تی | سطح معناداری | عامل تورم واریانس |
|---|---|---|---|---|---|
| عرض از مبدأ | ./۲۵۸ | ./۳۰۳ | ./۸۵۰ | ./۳۹۷ | – |
| مالکیت دولتی | -./۶۲۴ | ./۲۱۶ | -۲/۸۸۳ | ./۰۰۴ | ۱/۵۷۳ |
| نسبت حقوق صاحبان سهام | ./۴۲۲ | ./۰۷۷ | ۵/۴۷۴ | ./۰۰۰ | ۱/۱۷۴ |
| نسبت وام به سپرده | -./۰۶۱ | ./۰۴۴ | -۱/۳۷۱ | ./۱۷۳ | ۳/۳۲۹ |

| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آزمون تی | سطح معناداری | عامل تورم واریانس |
|---|---|---|---|---|---|
| نسبت وام به دارایی‌ها | ./۸۵۹ | ./۴۶۹ | ۱/۸۳۲ | ./۰۷۱ | ۱/۷۷۵ |
| نسبت دارایی نقدی | -./۴۵۲ | ./۴۶۰ | -./۹۸۲ | ./۳۲۸ | ۲/۵۱۶ |
| شاخص ورشکستگی | -./۱۶۶ | ./۱۲۱ | -۱/۳۷۵ | ./۱۷۲ | ۱/۱۷۴ |
| آماره اف فیشر | ۲/۱۶۷ | | آزمون دوربین واتسون | | ۲/۲۰۵ |
| سطح معناداری اف فیشر | ./۰۰۰ | | ضریب تعیین تعدیل شده | | ./۱۱۲ |

منبع: (محاسبات محققین)

**فرضیه دوم تحقیق:** «بین مالکیت دولتی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.»

- **شرح آزمون فرضیه:** در این فرضیه، مالکیت دولتی به‌عنوان متغیر مستقل و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.
- **نتایج:** براساس داده‌های جدول مربوط، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود ۰.۶۲- (شصت‌ودو درصد منفی) به دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از ۲ بوده و سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۴) است.
- **تفسیر:** این نتایج نشان می‌دهد که بین مالکیت دولتی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری وجود دارد. علامت منفی ضریب نیز نشان‌دهنده رابطه‌ای معکوس است؛ به این معنا که افزایش مالکیت دولتی با کاهش نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌ها همراه است.
- **نتیجه‌گیری:** با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### ۷. آزمون مدل سوم پژوهش

پس از برآورد ضرایب مدل، آماره دوربین—واتسون مقدار ۲.۰۸۶ را نشان داد که حاکی از عدم وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. بنابراین مشکل

همبستگی پیاپی در مدل سوم مشاهده نمی‌شود. برای بررسی برازش کلی مدل، از آزمون F استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰ است؛ در نتیجه مدل رگرسیونی برازش‌شده به طور کلی معنادار است. براساس مقدار ضریب تعیین ($R^2$)، حدود ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. اگرچه این مقدار نسبت به برخی مدل‌ها پایین‌تر است، اما همچنان بیانگر توان توضیح‌دهندگی مدل است. به منظور بررسی وجود هم‌خطی چندگانه، عامل تورم واریانس (VIF) برای کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی محاسبه شد. با توجه به این‌که مقدار VIF برای تمامی متغیرها کمتر از ۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد؛ بنابراین مدل سوم از اعتبار آماری کافی برخوردار است و می‌تواند مبنای آزمون فرضیه مربوطه قرار گیرد.

**جدول (۶): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل سوم پژوهش (نسبت کفایت سرمایه)**

| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آزمون تی | سطح معناداری | عامل تورم واریانس |
|---|---|---|---|---|---|
| عرض از مبدأ | -./۱۴۶ | ۱/۲۵۶ | -./۱۱۶ | ./۹۰۷ | - |
| مالکیت دولتی | -./۵۹۶ | ./۱۲۶ | -۴/۷۰۴ | ./۰۰۰ | ۱/۵۷۳ |
| نسبت حقوق صاحبان سهام | ۱/۰۱۳ | ۱/۴۲۶ | ./۷۱۰ | ./۴۷۹ | ۱/۱۷۴ |
| نسبت وام به سپرده | -./۰۲۲ | ./۲۹۰ | -./۰۷۷ | ./۹۳۸ | ۳/۳۲۹ |
| نسبت وام به دارایی‌ها | ./۲۱۵ | ۱/۸۴۹ | ./۱۱۶ | ./۹۰۷ | ۱/۷۷۵ |
| نسبت دارایی نقدی | ./۰۷۸ | ۱/۱۶۵ | ./۰۶۷ | ./۹۴۶ | ۲/۵۱۶ |
| شاخص ورشکستگی | ./۵۹۳ | ./۱۲۷ | ۴/۶۵۸ | ./۰۰۰ | ۱/۱۷۴ |
| آماره اف فیشر | ۱۵/۴۰۰ | | آزمون دوربین واتسون | | ۲/۰۸۶ |
| سطح معناداری اف فیشر | ./۰۰۰ | | ضریب تعیین تعدیل‌شده | | ./۱۱۸ |

منبع: (محاسبات محققین)

**فرضیه سوم تحقیق:** «بین مالکیت دولتی و نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها ارتباط معنی‌دار وجود دارد.»

- **شرح آزمون فرضیه:** در این فرضیه، مالکیت دولتی به‌عنوان متغیر مستقل و نسبت کفایت سرمایه به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.
- **نتایج:** براساس داده‌های جدول، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود ۰.۵۹- (پنجاه‌ونه درصد منفی) به دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از ۲ و سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۰) گزارش شده است.
- **تفسیر:** این یافته‌ها نشان می‌دهد که میان مالکیت دولتی و نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها ارتباط منفی و معناداری وجود دارد؛ به‌عبارت دیگر، افزایش مالکیت دولتی با کاهش نسبت کفایت سرمایه همراه است.
- **نتیجه‌گیری:** با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود.

### ۸. آزمون مدل چهارم پژوهش

پس از برآورد ضرایب مدل، آماره دوربین–واتسون مقدار ۱.۷۶۹ را نشان داد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. بنابراین، مشکل همبستگی پیاپی در مدل چهارم مشاهده نمی‌شود. برای بررسی برازش کلی مدل، از آزمون F استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰ است؛ در نتیجه مدل رگرسیونی برازش‌شده از نظر آماری معنادار است. براساس مقدار ضریب تعیین ($R^2$)، حدود ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود که نشان‌دهندهٔ توان توضیح‌دهندگی بسیار مناسب مدل چهارم است. به‌منظور بررسی وجود هم‌خطی چندگانه میان متغیرهای مستقل، عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه شد. از آنجا که مقادیر VIF برای کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از ۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. بنابراین، مدل چهارم پژوهش از اعتبار آماری کافی برخوردار است و نتایج آن قابلیت اتکا دارد.

**جدول (۷): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل چهارم پژوهش (اضافه برداشت بانکی)**

| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آزمون تی | سطح معناداری | عامل تورم واریانس |
|---|---|---|---|---|---|
| عرض از مبدأ | -./۰۵۹ | ./۰۴۰ | -۱/۴۸۱ | ./۱۴۳ | - |
| مالکیت دولتی | ./۶۳۳ | ./۱۲۰ | ۵/۲۵۸ | ./۰۰۰ | ۱/۵۷۳ |
| نسبت حقوق صاحبان سهام | ./۲۶۷ | ./۰۸۸ | ۳/۰۲۵ | ./۰۰۳ | ۱/۱۷۴ |
| نسبت وام به سپرده | -./۰۱۴ | ./۰۰۷ | -۱/۹۵۲ | ./۰۵۴ | ۳/۳۲۹ |
| نسبت وام به دارایی‌ها | ./۱۱۵ | ./۰۷۲ | ۱/۵۹۶ | ./۱۱۴ | ۱/۷۷۵ |
| نسبت دارایی نقدی | ./۰۷۳ | ./۰۴۶ | ۱/۵۷۶ | ./۱۱۹ | ۲/۵۱۶ |
| شاخص ورشکستگی | -./۰۰۵ | ./۰۲۳ | -./۲۱۱ | ./۸۳۳ | ۱/۱۷۴ |
| آماره اف فیشر | | ۹/۰۵۴ | آزمون دوربین واتسون | | ۱/۷۶۹ |
| سطح معناداری اف فیشر | | ./۰۰۰ | ضریب تعیین تعدیل‌شده | | ./۶۴۴ |

منبع: (محاسبات محققین)

**فرضیه چهارم تحقیق:** «بین مالکیت دولتی و اضافه برداشت بانکی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.»

- شرح آزمون فرضیه: در این فرضیه، مالکیت دولتی به‌عنوان متغیر مستقل و اضافه‌برداشت بانکی به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.
- نتایج: براساس داده‌های جدول، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود ۰.۶۳+ (شصت‌وسه درصد مثبت) به‌دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از ۲ بوده و سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۰) گزارش شده است.
- تفسیر: این نتایج نشان می‌دهد که بین مالکیت دولتی و اضافه‌برداشت بانکی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به‌عبارت دیگر، افزایش مالکیت دولتی با افزایش میزان اضافه‌برداشت بانکی همراه است.
- نتیجه‌گیری: با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود.

**نتیجه‌گیری و پیشنهادها**

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که مالکیت دولتی با نرخ بازده دارایی‌ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه رابطه‌ای منفی و معنادار دارد، در حالی که با اضافه‌برداشت بانکی رابطه‌ای مثبت و معنادار برقرار است.

براساس مبانی نظری، مالکیت دولتی از طریق نهادهای دولتی می‌تواند محرک‌های متعددی برای نظارت بر گزارشگری مالی و بهبود عملکرد شرکت‌ها فراهم کند.

**پیشنهادها:**

۱) با توجه به تأثیر منفی مالکیت دولتی بر شاخص‌های عملکرد مالی، توصیه می‌شود سازوکارهای نظارتی و انگیزشی کارآمدتری برای مدیران بانک‌های دولتی طراحی و اجرا شود تا بهره‌وری و بازدهی بهبود یابد.

۲) ایجاد شفافیت بیشتر در گزارشگری مالی و افشای اطلاعات می‌تواند از بروز مشکلات ناشی از وابستگی‌های سیاسی جلوگیری کند.

۳) سیاست‌گذاران باید هنگام تدوین استراتژی‌های حاکمیت شرکتی، اثرات منفی احتمالی ارتباطات دولتی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و ارزش بانک‌ها را مدنظر قرار دهند.

۴) انجام مطالعات تطبیقی بین بانک‌های دولتی و خصوصی برای شناسایی الگوهای موفق مدیریتی می‌تواند راهکارهای بهبود عملکرد را ارائه کند.

در ایران نیز دولت نقشی اساسی و پررنگ در ساختار اقتصاد و مالکیت شرکت‌های بزرگ دارد؛ به‌طوری‌که بخش عمده صنایع کشور توسط شرکت‌هایی با مالکیت دولتی اداره می‌شوند. این در حالی است که رشد بازار سرمایه در سال‌های اخیر بیش از آنکه متأثر از گزارشگری‌های مالی و عملکرد داخلی شرکت‌های بورسی باشد، تحت‌تأثیر عوامل سیاسی کلان قرار داشته است.

از آنجا که مدیران به‌عنوان نمایندگان مالکان شرکت را اداره می‌کنند، ممکن است در برخی شرایط دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه بزنند و تصمیماتی مغایر با منافع

سهامداران اتخاذ کنند؛ وضعیتی که منجر به تضاد منافع میان مدیران و سهامداران می‌شود.

بنابراین، تمرکز سرمایه‌گذاران نهادی از طریق بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌تواند به کاهش ریسک بنگاه‌های اقتصادی کمک کند و از سوی دیگر، مدیران را به جای پیگیری منافع کوتاه‌مدت شخصی، به تلاش برای افزایش ارزش شرکت ترغیب نماید.

این امر به این دلیل است که محدود شدن کنترل‌های سیاسی باعث افزایش انعطاف‌پذیری شرکت‌ها می‌شود و در نتیجه امکان اجرای مؤثرتر سیاست‌های حاکمیت شرکتی فراهم می‌گردد. در مقابل، برخی انتصاب‌های سیاسی ممکن است اهدافی متضاد با بهبود عملکرد شرکت‌ها دنبال کنند؛ به‌عنوان مثال، هدف یک انتصاب می‌تواند افزایش اشتغال یا کاهش هزینه‌های اجتماعی باشد. بنابراین، بر اساس چنین اهدافی، شرکت‌ها ممکن است سیاست‌ها و رویه‌هایی را انتخاب کنند که لزوماً با منافع بلندمدت و عملکرد مالی بهینه همسو نباشد.

علاوه‌براین، شرکت‌های دارای وابستگی سیاسی نه‌تنها از مزیت ایجاد اعتبار و دسترسی به منابع مالی توسط مدیران دولتی بهره‌مند می‌شوند، بلکه از مزایای متعدد دیگری نیز برخوردار می‌گردند که می‌تواند موقعیت رقابتی و عملکرد آن‌ها را بهبود بخشد.

نکته مهم دیگر آن است که حاکمیت شرکتی مطلوب با هدف افزایش ارزش سهام شرکت‌ها لزوماً معادل با حاکمیت مطلوب برای شهروندی و رفاه عمومی نیست.

مدیران وابسته به دولت توانایی و قدرت لازم برای کسب منافع شرکت از طریق تأثیرگذاری بر تصویب قوانین و مقررات دولتی را دارند و همچنین می‌توانند احتمال موفقیت شرکت در مناقصه‌های دولتی را افزایش دهند. این عامل اغلب به‌عنوان یک خبر مثبت توسط بازار تلقی می‌شود.

استدلال اصلی این است که شرکت‌های دارای روابط گسترده سیاسی با دولت به دلیل برخورداری از شرایط خاص، هزینه‌های کمتری از سوی دولت متحمل می‌شوند (چانی، فاسیو و پارسلی، ۲۰۱۱).

با این حال، نتایج به‌دست‌آمده در این زمینه با یافته‌های ماژین و دیگران[15] (۱۳۹۶) و ترکی (۲۰۲۱م) مغایرت دارد.

**پیشنهادهای کاربردی بر اساس نتایج پژوهش**

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای زیر برای سهامداران، تحلیل‌گران مالی و سیاست‌گذاران ارائه می‌شود که می‌تواند به بهبود عملکرد مالی بانک‌های دولتی کمک کند.

۱) **توجه سهامداران به ساختار مالکیت دولتی:** سهامداران در هنگام سرمایه‌گذاری باید به درصد مالکیت دولتی شرکت‌ها توجه کنند؛ زیرا شرکت‌های دارای وابستگی دولتی در معرض ریسک‌های سیاسی و اقتصادی بیشتری قرار دارند و این موضوع می‌تواند بر بازدهی و ارزش سهام آن‌ها اثرگذار باشد.

۲) **توصیه به تحلیل‌گران مالی:** تحلیل‌گران مالی باید در فرآیند ارزیابی و تحلیل سهام شرکت‌ها، موضوع مالکیت دولتی را به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی لحاظ کنند. همچنین با توجه به توانایی مدیران دولتی در تغییر شرایط از طریق مناسبات سیاسی، این عامل باید در تحلیل ریسک شرکت‌ها مدنظر قرار گیرد.

۳) **تفکیک مالکیت دولتی از نظام بانکی:** توصیه می‌شود سیاست‌های مشخصی برای کاهش نقش دولت در مالکیت و مدیریت بانک‌ها تدوین شود. این سیاست‌ها شامل:
   - فروش بخشی از سهام بانک‌های دولتی به بخش خصوصی،
   - اصلاح قوانین مربوط به انتصاب مدیران بانکی،
   - افزایش شفافیت در فرآیند انتخاب مدیران.

۴) **تقویت فضای رقابتی بین بانک‌ها:** ایجاد شرایط رقابتی منصفانه میان بانک‌های دولتی و خصوصی می‌تواند عملکرد مالی بانک‌ها را بهبود بخشد. این امر مستلزم:
   - تدوین مقررات عادلانه برای دسترسی به منابع مالی،

15. Majin et al

- تعیین سقف‌های بدهی منصفانه،
- فراهم کردن فرصت‌های برابر در بازار مالی.

۵) **افزایش نظارت و کنترل بر بانک‌های دولتی:**
- تقویت نقش نهادهای نظارتی و کنترلی،
- انجام ارزیابی‌های منظم و مستمر عملکرد مالی بانک‌ها،
- ایجاد سازوکارهای شفافیت و مبارزه با فساد در عملکرد بانکی.

۶) **گسترش سیستم‌های مالی غیربانکی:** برای افزایش انعطاف‌پذیری نظام مالی، باید بخش‌های غیربانکی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بازارهای سرمایه و بورس توسعه یابند تا تنوع منابع مالی افزایش یابد و وابستگی به بانک‌های دولتی کاهش پیدا کند.

۷) **توسعه و تعمیق بازار سرمایه:** ایجاد بازاری فعال برای اوراق بهادار بانک‌های دولتی و خصوصی می‌تواند منجر به افزایش شفافیت مالی شود. این شامل:
- تسهیل دسترسی سرمایه‌گذاران به اوراق بهادار،
- فراهم کردن بسترهای لازم برای معاملات این اوراق،
- تشویق به افشای دقیق و به‌موقع اطلاعات مالی بانک‌ها.

۸) تأمین منابع مالی مستقل برای بانک‌های دولتی: وابستگی مالی بانک‌های دولتی به دولت باید کاهش یابد. این امر از طریق تعریف منابع درآمدی مستقل مانند درآمدهای ناشی از عملیات مالی قابل‌اجرا توسط خود بانک‌ها قابل تحقق است.

۹) تدوین سیاست‌های مالی کارآمد برای بانک‌های دولتی:
- تعیین و اجرای خط‌مشی‌های مالی شفاف شامل:
- تعیین سقف‌های بدهی،
- محدودیت‌های سرمایه‌گذاری،
- سیاست‌های مشخص سوددهی و مدیریت مالی،

**پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی**

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و محدودیت‌های تحقیق حاضر، انجام مطالعات آینده در زمینه‌های زیر توصیه می‌شود:

۱) **مقایسه بین‌صنعتی:** انجام پژوهش مشابه در صنایع مختلف و تفکیک نتایج بر حسب نوع صنعت به‌منظور بررسی تفاوت‌های احتمالی در تأثیر مالکیت دولتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها.

۲) **بررسی ویژگی‌های مدیرعامل:** مطالعه ارتباط ویژگی‌های فردی مدیران عامل (مانند جنسیت، مقطع تحصیلی و طول دوره تصدی) با عملکرد مالی بانک‌ها به‌منظور شناسایی اثرات احتمالی این عوامل مدیریتی.

۳) **تحلیل ویژگی‌های هیئت‌مدیره:** بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره (ازجمله سطح دانش مالی اعضا و ترکیب جنسیتی هیئت‌مدیره) بر عملکرد مالی بانک‌ها و ارزیابی نقش ترکیب هیئت‌مدیره در بهبود تصمیمات مالی.

۴) **مطالعه سایر ابعاد حاکمیت شرکتی:** تحلیل سایر شاخص‌های حاکمیت شرکتی (مانند تمرکز مالکیت، میزان استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی) و رابطه آن‌ها با عملکرد مالی بانک‌ها به‌منظور ارائه تصویری جامع‌تر از سازوکارهای مؤثر بر عملکرد.

**ملاحظات حقوقی**

**- پیروی از اصول حقوقی**

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

**- تعارض منافع**

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد باعنوان «بررسی ارتباط بین حاکمیت دولتی و عملکرد بانکداری اسلامی در ایران» که در دانشگاه جامع امام حسین(ع) در سال ۱۴۰۳ دفاع شده است.

**کتابنامه**


۱) اسعدی، عبدالرضا؛ و ابری، محمدعلی (۱۳۹۹). اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها. *اقتصاد پولی*. ۵(۱۹)، ۲۲۳-۲۴۸.

۲) تقی‌نتاج، غلامحسین؛ بحری ثالث، جمال؛ و قادری، قدرت (۱۳۹۷) تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با نقش تعدیلی کیفیت افشا. *مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۱(۴)، ۱۲۷-۱۵۱.

۳) رجبی، مریم (۱۳۹۸). *تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت با در نظر گرفتن مدیریت ریسک به‌عنوان متغیر میانجی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران*. ایران، تهران: نهمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی.

۴) رسفیجانی، سعید؛ و دهقان، عبدالمجید (۱۴۰۰) بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی با توجه به نقش میانجی پایداری شرکت در بانک‌های خصوصی. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱۲(۴۷)، ۱۸۸-۲۰۹.

۵) سعدی، یاسر (۱۳۹۵) *تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مؤسسه آموزش عالی روزبهان، تهران، ایران.

۶) کمیجانی، اکبر (۱۳۸۲). *ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران*. ایران، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

۷) مازندرانی، شیدا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی و ریسک در بانک‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مؤسسه آموزش عالی لامعی گرگانی، تهران، ایران.

۸) نخعی، حبیب؛ و زهرایی، مریم (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد واسطه‌های مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*. ۱(۲)، ۱۱۹-۱۳۴.


**Reference**


1. Asʿadī, ʿA.-Reżā, & Abrī, M.-ʿA. (1399 SH/2020). Aṯar-e Sāḵtār-e Mālekīyat va Ḥākemīyat-e Šerkatī bar ʿAmalkard-e Bānk-hā [Effect of Ownership Structure and Corporate Governance on Banks' Performance]. Eqteṣād-e Polī [Monetary Economics], 5(19), 223–248 [in Persian].

2. Al-Amarneh, A.)2014), Corporate Governance, Ownership Structure And Bank Performance In Jordan, International Journal of Economics & Finance, 6(6).
3. Chen, H, Liao, Y, Lin, C, &Yen,J(2018)The Effect of the Political Connections of Government Bank CEOs on Bank Performance during the Financial Crisis.Journal of Financial Stability https://doi.org/10.1016/j.jfs.2018.02.010.
4. Dagnaw D, Y and Wang, M. (2017), Ownership and profitablitiy: Evidence from Ethipian banking sector, Journal of Scientific and Research Publications, 7(2), Feb. 2017.
5. Komījānī, A. (1382 SH/2003). Arzyābī-ye ʿAmalkard-e Sīāsat-e Ḵoṣūṣī-Sāzī dar Īrān [Evaluation of Privatization Policy Performance in Iran]. Iran, Tehran: Wezārat-e Omūr-e Eqteṣādī va Dārāʾī [Ministry of Economic Affairs & Finance] [in Persian].
6. Rağabī, M. (1398 SH/2019). Taʾṯīr-e Ḥākemīyat-e Šerkatī bar ʿAmalkard-e Šerkat bā Dar Nazar Gereftan-e Modīrīyat-e Risk be-ʿOnvān-e Mottağayyer-e Miyānjī dar Šerkat-hā-ye Pazīrafte Šode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān [Effect of Corporate Governance on Firm Performance Considering Risk Management as a Mediator Variable in TSE Listed Companies]. Iran, Tehran: Nohemīn Konferāns-e Beynolmelalī-ye Eqteṣād, Modīrīyat va Ḥesābdārī bā Rūykard-e Arzeš Āfarīnī [9th Int. Conference on Economics, Management & Accounting with Value-Creation Approach] [in Persian].
7. Rasfīǰānī, S., & Dehqān, ʿA.-M. (1400 SH/2021). Barrasī-ye Taʾṯīr-e Ḥākemīyat-e Šerkatī bar ʿAmalkard-e Mālī bā Tavaǰǰoh be Naqš-e Miyānjī-ye Pāydārī-ye Šerkat dar Bānk-hā-ye Ḵoṣūṣī [Effect of Corporate Governance on Financial Performance Considering Firm Sustainability as a Mediator in Private Banks]. Mohandesī-ye Mālī va Modīrīyat-e Orāq-e Bahādār [Financial Engineering & Securities Management], 12(47), 188–209 [in Persian].
8. Saʿdī, Y. (1395 SH/2016). Taʾṯīr-e Ḥākemīyat-e Šerkatī bar ʿAmalkard-e Bānk-hā-ye Pazīrafte Šode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān [Effect of Corporate Governance on Performance of TSE Listed Banks] (Master's thesis). Moʾassese-ye Āmūzeš-e ʿĀlī-ye Rozbehān, Tehran, Iran [in Persian].
9. Turki.A. (2021). State ownership and bank performance: conventional vs Islamic banks. https://www.emerald.com/insight/1759-0817.htm
10. Taqī-Neǰāt, Ḡ., Baḥrī Ṣāleṯ, Ḡ., & Qāderī, Q. (1397 SH/2018). Taʾṯīr-e Keyfīyat-e Ḥākemīyat-e Šerkatī bar ʿAmalkard-e Mālī-ye Bānk-hā bā Naqš-e Taʿdīlī-ye Keyfīyat-e Efšā [Effect of Corporate Governance Quality on Banks' Financial Performance with Moderating Role of

Disclosure Quality]. Moṭāleʿāt-e Mālī va Bānkedārī-ye Eslāmī [Islamic Finance and Banking Studies], 1(4), 127–151 [in Persian].

11. Māzandarānī, Š. (1396 SH/2017). Barrasī-ye Taʾṯīr-e Ertebāṭāt-e Sīāsī bar ʿAmalkard-e Mālī va Risk dar Bānk-hā-ye Pazīrafte Šode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān [Effect of Political Connections on Financial Performance and Risk in TSE Listed Banks] (Master's thesis). Moʾassese-ye Āmūzeš-e ʿĀlī-ye Lāmeʿī-ye Gorgānī, Tehran, Iran [in Persian].
12. Naḵaʿī, Ḥ., & Zahrāʾī, M. (1396 SH/2017). Barrasī-ye Rabṭeh beyn-e Sāḵtār-e Mālekīyat va ʿAmalkard-e Vāseṭeh-hā-ye Mālī-ye Pazīrafte Šode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān [Ownership Structure and Financial Intermediaries' Performance in TSE Listed Firms]. Moṭāleʿāt-e Kārبردī dar ʿOlūm-e Modīrīyat va Toseʿe [Applied Studies in Management & Development Sciences], 1(2), 119–134 [in Persian].